

ضرورت ایجاد بازار فرهنگی برای تربیت نسل امروز



بسم الله الرحمن الرحيم

خدای بزرگ و متعال را شاکرم که به من توفیق داد برای چندمین بار در خدمت شما عزیزان در خصوص کتاب‌های آموزشی صحبت کنیم.

تلاش برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه

ما هدف دستیابی به مراتبی از حیات طیبه را در یک بستر آموزشی و فرهنگی دنبال می‌کنیم. من معتقدم که فعالیت‌های آموزش و پرورش، اعم از آموزشی و پرورشی و فرهنگی، باید به یک برون‌داد نهایی، یعنی تربیت منجر، شود. از این جهت است که این فعالیت‌ها و از جمله فعالیت‌های حوزه کتاب و کتاب‌خوانی برای ما معنا پیدا می‌کند. شاید سؤال شود که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی چه نسبتی با این فعالیت‌ها دارد و آیا این فعالیت‌ها وظایف ذاتی آن است یا نه؟ بنده عرض می‌کنم ما همان مقصد نهایی را که تربیت نسل است، براساس سند برنامه درسی ملی و قانون تشکیل آموزش و پرورش، که دستیابی به مراتبی از «حیات طیبه» است، در این سازمان دنبال می‌کنیم. آموزش باید در بستری فرهنگی صورت گیرد تا منجر به تربیت شود. برای مثال کتاب‌های آموزشی خودش یک بستر فرهنگی است.

در گام اول، یعنی معرفی کردن آثار خوب و مناسب در این بازار تولید انبوه کتاب‌های غیرمرتبط و احیاناً نامناسب، کار بسیار مهم و مؤثری است که می‌تواند کتاب‌های شایسته و الگو را به مخاطبان معرفی و زمینه دسترسی آنان را به این کتاب‌ها فراهم کند. زیرا وقتی که تولید کتاب انبوه شد معمولاً شائبه‌های دیگری وارد این کار می‌شود و دقت نظرهای لازم و ضروری در تولید این‌گونه آثار را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در چنین وضعیتی داوری کتاب‌ها و مشخص کردن آثار مناسب و خوب می‌تواند کمک کند تا مخاطب بتواند با دانش، شناخت و آگاهی بیشتری به کتاب دسترسی پیدا کند و در کنار آن ناشران صاحب صلاحیت نیز، همراه با اهداف برنامه آموزشی و درسی، توفیقات بیشتری برای تولید باصرفه این آثار به‌دست آورند. به هر حال، امیدواریم این جشنواره بتواند زمینه

دسترسی مخاطبان به آثار مناسب را بیش از پیش فراهم آورد. گام دوم هم که بخشی از وظیفه و نقش ماست، این است که از کسانی که کار خوب و مناسب تولید کرده‌اند هم تشکر کنیم و هم آثار آنان را معرفی کنیم. این کاری است که ما در این جشنواره انجام می‌دهیم و از نویسندگان و ناشرانی که این امر را در آثار خود مورد توجه قرار داده و با ما همراهی کرده‌اند، قدرشناسی می‌کنیم.

اما گام سوم، ایجاد زمینه برای دسترسی مخاطبان به این آثار و ایجاد بازار مصرف فرهنگی برای آن‌هاست که در همین زمینه دوستان به اقداماتی که صورت گرفته است، اشاره کردند. ضمناً باید به موضوع جابه‌جایی‌هایی که در رشته‌ها و حوزه‌های آموزشی و درسی صورت گرفته است و آقای دکتر کفاش هم به بخشی از آن‌ها اشاره کردند، بیشتر بپردازیم و ضمن توجه به نیازهای معلمان و دانش‌آموزان، زمینه تولید در این بخش‌ها و حوزه‌ها را هم فراهم سازیم. امیدواریم این جشنواره بتواند بعد از آن که این آثار معرفی شد، زمینه دسترسی مخاطبان به آثار مناسب را هم بیش از پیش فراهم آورد.

و ضمناً در جاهایی که جابه‌جایی اتفاق افتاده است و کالاهای غیرفرهنگی یا شبه‌فرهنگی جایگزین کالاهای فرهنگی شده‌اند نیز اقدام لازم صورت گیرد و نگذاریم چنین امری ادامه پیدا کند. ما باید با حضور در این صحنه فرصتی فراهم کنیم که مصرف‌کنندگان کالاهای فرهنگی بتوانند با خیال راحت به این بازار دسترسی پیدا کنند و با امنیت و آرامش کالای مناسب مورد نظر خود را به‌دست آورند. مدارس، دانش‌آموزان و اولیا و معلمان واقعا





خواهان چنین امری هستند و ما باید این زمینه و استعداد خرید را به نیکویی برای آنان فراهم کنیم که البته این استعداد منحصر به استعداد مالی و قدرت خرید نیست بلکه استعداد تربیتی، آموزشی و فرهنگی نیز هست. اصولاً ذائقه را تغییر دادن و قرار دادن آن در مسیر صحیح و رو به اصلاح ضرورتی است که در برنامه درسی اتفاق می‌افتد و باید به‌ویژه در حوزه زبان و ادبیات فارسی و از آن مهم‌تر در حوزه پرورش و تقویت قوه تفکر و پرورش خلاقیت اتفاق بیفتد. همچنین این امر باید در حوزه‌های یادگیری و آن ۱۱ حوزه‌ای که دوستان قبلان اشاره کردند نیز تحقق پیدا کند. این جشنواره می‌تواند واسطه یا عاملی باشد که توانایی در همه حوزه‌های یادگیری را تنوع و سرعت ببخشد تا مخاطب مسیر را سریع و صحیح طی کند.

حوزه داوری فرهنگی را گسترش دهید

من پیشنهادی برای جشنواره دارم که امیدوارم دوستان روی آن تأمل کنند و اگر پذیرفته شد، ما هم حسب مسئولیتی که داریم از آن پشتیبانی خواهیم کرد. عرض کردم که حسب همان موارد طرح شده در مراسم جشنواره

سال قبل، امسال ۱۱ حوزه یادگیری مورد پوشش قرار گرفته است، ضمناً نسبت به دوره پیش‌دبستانی همکاران ما جدیدت کاملی داشته‌اند و نسبت به بخش داستان و رمان هم که می‌تواند مجموعه‌ای از حوزه‌های یادگیری ما را تحت پوشش قرار دهد، اهتمام خوبی شده است و من از این بابت از همه عزیزان تشکر می‌کنم. و اما پیشنهاد من «داوری فرهنگی» است. به این شرح که می‌خواهم خواهش کنم و توصیه کنم که دوستان با همدیگر مشورت و رایزنی کنند و اگر مورد اقبال واقع شد، «حوزه داوری فرهنگی» را توسعه دهند. یعنی ما دیگر فقط حوزه آموزش را نبینیم، بلکه حوزه فرهنگ را به‌صورت جامع ببینیم. فلذا جا دارد که این جشنواره بتواند، مانند جشنواره انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، حوزه وسیع‌تری را تحت پوشش قرار دهد و جامعیت خود را به‌عنوان جشنواره‌ای فرهنگی و تربیتی حفظ کند و آن را توسعه دهد. خوشبختانه جشنواره این ظرفیت را دارد و امیدوارم دوستان در قدم اول به‌لحاظ محتوا این کار را انجام دهند و به‌لحاظ مقدمات سازمانی و اداری هم ما بتوانیم زمینه و امکانات مورد نیاز را فراهم کنیم. از سویی دیگر ما باید بتوانیم از مشارکت همکاران خوبمان در وزارت فرهنگ و ارشاد



اسلامی، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی و دیگر مراکز و نهادهای مرتبط استفاده کنیم و اساس جایزه ویژه‌ای را برای این جشنواره بنا نهیم و بستر مناسبی را برای اعتلای فرهنگ کتاب و کتابخوانی، آن گونه که شایسته نام این کشور اسلامی است، فراهم و زمینه توسعه و فرهنگ و اندیشه را در کشور بیش از پیش مهیا کنیم. چنین کاری حتماً ارتباط وسیعی با کار، اهداف و برنامه‌های تحولی و اساسی آموزش و پرورش و مخاطبان این جشنواره خواهد داشت و من امیدوارم دوستان با پشتکار و اراده‌ای که همیشه برای کارهای بزرگ و ماندگار دارند، این موضوع را هم به عنوان یک پیشنهاد دنبال کنند و به نتیجه برسند.

ما باید یک حساب ویژه هم برای آموزش قرآن و علوم مربوط به آن به صورت مستقل و یا با زمینه رمضان باز کنیم. به عبارت صحیح تر باید در این جشنواره و در دوره‌های آتی گامی مؤثر برای مهاجرت زدایی از ارتباط با قرآن برداریم و هدف این باشد که آنچه آثار تولیدی درباره قرآن است، اعم از آموزش قرآن و آموزش مفاهیم قرآن، به عنوان خطی ویژه در این جشنواره طراحی و به دقت آن را دنبال کنیم و به نتیجه برسیم تا آثار قرآنی بهتر و بیشتر مؤثرتر از گذشته بررسی، انتخاب و به مخاطبان معرفی شود و در دسترس مردم قرار گیرد. البته از پدیدآورندگان این آثار هم تجلیل و تقدیر کنیم.

تأکید می‌کنم که علی‌رغم همه تلاش‌هایی که در سال‌های گذشته داشته‌ایم، قرآن هنوز در بین ما مهجور است. هنوز هم روخوانی و روان خوانی قرآن برای بخش عمده‌ای از مردم کشور ما غریب است. دریافت و درک مفاهیم قرآن برای بسیاری از دانش‌آموزان ما مشکل است. هنوز هم رفتار قرآنی در تمامی لایه‌های زندگی فردی و اجتماعی ما رسوخ و نفوذ نکرده است؛ حتی گاهی اوقات با رفتارهای قرآنی احساس غریبی می‌کنیم. و بالاتر از همه قرآن در تصمیم‌گیری‌های اساسی ما جایگاه شایسته و بایسته خود را پیدا نکرده است و جای آن، جایگاه محکمی نیست.

این جشنواره باید با تشویق کردن متفکران قرآنی و تولید محتوای آموزشی و تربیتی و فرهنگی برای قشر نوجوان و جوان گامی اساسی در این زمینه بردارد.

باید مروج آثار فرهنگی مناسب باشیم

اما حرف دیگر من، که ممکن است اندکی هم تلخ به نظر برسد، این است که بالاخره باید میان کسانی که خوب کار می‌کنند. با کسانی که خوب کار نمی‌کنند تفاوت بگذاریم. ما باید مروج آثار فرهنگی مناسب باشیم. نباید اجازه بدهیم سابقه فرهنگی و سوابق افتخار آفرین این کشور با شانتاژبازی‌ها رسانه‌ای و یا به انکای زرسالاری موجب ترویج «قول زور» شود. منظورم از قول زور، قدرت مشت نیست. در اصطلاح قرآنی، قول زور یعنی آنچه خلاف واقع است. غش؛ غش در معامله؛ غش در تبلیغ و هر نوعی دیگر از آن یکی از گناهان است.

من نسبت به برخی از جریان‌های تبلیغی این نگاه را دارم و می‌گویم اگر به فکر آموزش و پرورش نیستید، و اگر به فکر آینده نسل و فرزندان خودتان نیستید، لاف‌ها به فکر اعتبار و آینده

خودتان باشید. مردم به جریان‌های رسانه‌ای اعتماد می‌کنند، اما اگر خلاف واقع و یا در حقیقت غشی در این معامله ببینند و اعتمادشان مخدوش شود، اعتمادشان برای همیشه از شما و آنچه می‌گویید و تبلیغ می‌کنید، سلب می‌شود و بازگرداندن این اعتماد کار راحت و آسانی نخواهد بود؛ این اعتماد وقتی کاسته شد با پول هم قابل برگشت نخواهد بود زیرا همه چیز پول نیست و مردم و جامعه ارزش‌ها و اعتقاداتی دارند که اگر مورد هجمه واقع شود، جبران آن سخت و گاه غیرممکن خواهد بود.

در قرآن کریم، در سوره مبارکه حج، این نکته بیان شده است که برخی از افراد چون وضعشان خوب می‌شود و گشایشی در کارشان صورت می‌گیرد، می‌گویند خداوند متعال ما را گرامی داشت، اما وقتی حالشان بد می‌شود می‌گویند خداوند متعال به ما اهانت کرد، در صورتی که این چنین نیست. دلیل این کار این است که آن‌ها همه چیز را از دریچه مادیات و پول می‌بینند. پول خوب است، اما همیشه علاج‌بخش و چاره‌ساز نیست. سر بسته می‌گویم که اگر کرم حلزون یک روز تبلیغ می‌شود و بعد وزارت بهداشت می‌گوید استاندارد نداشته، اگر روزی پدیده شان‌دیز و... مطرح می‌شوند و همه را دعوت به سرمایه‌گذاری می‌کنند و چندی بعد قوه قضائیه می‌گوید آنجا را پلمپ کنید، معنی این کار یعنی ضربه زدن به اطمینان و اعتماد مردم، اطمینان و اعتمادی که در سایه همین تبلیغات و معرفی‌های آن چنانی مخدوش شده است.

اگر این ضربه زدن به اطمینان و اعتماد مردم در حوزه آموزشی و پرورشی اتفاق بیفتد بسیار بد خواهد بود. دوستان بیایید تا وقت نگذشته است، نسبت به اصلاح این فرایند عیوب کاری تجدیدنظر کنیم. ما معتقدیم کتاب و کتاب‌خوانی بالاتر از هر

چیز دیگری است. من در این بخش از صحبت‌هایم برای شما درد دل کردم تا اگر کسی در جمع ما به دوستان مسئول در این حوزه دسترسی دارد، این صحبت‌ها و درد دل‌ها را که درد دل جمع زیادی از علاقه‌مندان به فرهنگ این کشور است، به این دوستان منتقل نماید که اهل کتاب از این کار شما خوششان نمی‌آید و دلایلی را هم که بیان شد، بازگو نمایند. از اینکه حوصله کردید و به صحبت‌های بنده توجه نمودید متشکرم و اگر احیاناً برخی صحبت‌ها اندکی تند بود، عذر خواهیم که خداوند متعال سخن تند و ناگوار را دوست نمی‌دارد مگر از کسانی که نسبت به آنان ظلم شده باشد. در واقع من گمان می‌کنم که در این مسیر به آموزش و پرورش ظلم شده است و ناچار باید این جملات را می‌گفتم. سربلند و شاد کام و در مسیر تعالی و توسعه فرهنگ و کتاب و کتاب‌خوانی مؤید و موفق باشید، ان شاء الله...

ما دیگر فقط حوزه آموزش را نبینیم، بلکه حوزه فرهنگ را به صورت جامع ببینیم. فلذا جا دارد که این جشنواره بتواند، مانند جشنواره انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، حوزه وسیع‌تری را تحت پوشش قرار دهد و جامعیت خود را به عنوان جشنواره‌ای فرهنگی و تربیتی حفظ کند و آن را توسعه دهد. خوشبختانه جشنواره این ظرفیت را دارد و امیدوارم دوستان در قدم اول به لحاظ محتوا این کار را انجام دهند و به لحاظ مقدمات سازمانی و اداری هم ما بتوانیم زمینه و امکانات مورد نیاز را فراهم کنیم